

## چگونگی تشکیل نهضت مقاومت ملی و نامه سه امضایی

با توجه به این که روایت‌های ضد و نقیض و گاه کاملاً بر خلاف واقعیت پیرامون تشکیل نهضت مقاومت ملی و تهیه نامه سه امضایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، با وجود آن که بارها در مورد این دو مقوله گفته و نوشته‌ام لازم به تکرار می‌دانم که اگر قرار بر این است که رویدادهای تاریخی بیان شود، ضروری است که روایت تاریخ منطبق با واقعیت‌ها باشد و به درستی به نسل آینده منتقل شود.

### الف) چگونگی تشکیل نهضت مقاومت ملی:

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احزاب وابسته به جبهه ملی ایران به فعالیت‌های خود ادامه دادند. در همین زمان بود که آیت‌الله «سیدرضا زنجانی» به ابتکار شخصی خود، تراکت‌هایی با مضمون (نهضت ادامه دارد) در منزل شخصی خودش در خیابان فرهنگ آماده کرد و آقایان «عباس رادنی»، «پولادی» و «حسین شاه‌حسینی» و ... با استفاده از کاربن این تراکت‌ها را تکثیر می‌کردند؛ سپس آیت‌الله زنجانی تراکت‌ها را در شال کمرش می‌گذاشت و آن افراد نیز به دنبالش می‌رفتند و تراکت‌ها را پخش می‌کردند. پس از مدتی آقای زنجانی به فکر افتاد که از نمایندگان احزاب سیاسی دعوت کند تا در جلسه‌ای در منزل وی شرکت کنند. در این جلسه «محمد نخشب» از حزب مردم ایران، «ناصر خورگامی» از حزب ایران، «امیر سلیمان عظیمی» از حزب ملت ایران، «ابراهیم کریم‌آبادی» و «احمد انواری» و ... از میان روزنامه نگاران، «حاج حسن قاسمیه»، «حاج حسن شمشیری»، «احمد توانگر بختیاری»، «حسین شاه‌حسینی» و ... از جامعه اصناف و بازرگانان، «ناصر صدر الحافظی» از روحانیون و آقای «عرب زاده» و مهندس «وفایی» از نیروی سوم حضور داشتند. به تدریج افراد زیادی به نهضت پیوستند که ذکر اسامی آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. در روزهای بعد نیز به درخواست آیت‌الله زنجانی مبانی حقوقی نهضت مقاومت ملی توسط دکتر «عبدالله معظمی» تنظیم شد و با اکثریت به تصویب رسید. تعدادی از فعالان جوان جبهه ملی در سازمان مخفی و نوبنیاد نهضت مقاومت ملی شرکت کردند و نمایندگان احزاب ملی و نمایندگان بازار و دانشجویان دانشگاه تهران، اعضای کمیته مرکزی را انتخاب کرده و سپس ساختار تشکیلاتی نهضت مقاومت ملی را به تصویب رساندند. با وجود همکاری بعضی از گروه‌های اجتماعی با نهضت مقاومت ملی، باید توجه داشت که اکثر افراد وابسته به احزاب سیاسی چهارگانه جبهه ملی ایران یعنی (حزب ایران، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران و نیروی سوم)، جامعه اصناف و بازرگانان و تعدادی از همکاران دکتر «مصدق» بودند که در این برهه، نهضت مقاومت ملی را شکل دادند. گفتنی است که مهندس «بازرگان» و دکتر «یدالله سبحانی» تقریباً سه ماه بعد به هسته مرکزی نهضت مقاومت ملی پیوستند. مهندس بازرگان قبل از کودتا در سازمان لوله‌کشی آب تهران کار می‌کرد و پس از کودتا که ملیون از دولت کودتا کناره گرفتند، ایشان گفت که این کار عام‌المنفعه است و مربوط به مردم است، تا تمام نشود، من کنار نمی‌روم و به همین دلیل سه ماه بعد از کودتا به نهضت مقاومت ملی پیوست. البته باید توجه داشت که دوستان مهندس

**بازرگان** از ابتدا و در تمام مدت با **نهضت مقاومت ملی** همکاری داشتند. **نهضت مقاومت ملی** اهداف خود را در قالب اعلامیه‌ای به این شرح اعلام کرد:

۱- ادامه **نهضت ملی** و اعاده **حیثیت استقلال ایران** و **برقراری حکومت ملی**.

۲- **مبارزه با هرگونه استعمار خارجی**.

۳- **مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده خارجی**.

چون این موارد از اهداف **جبهه ملی** به رهبری **دکتر مصدق** گرفته شده بود، مورد تایید همه‌ی شرکت‌کنندگان قرار گرفت و این سه اصل در سطح وسیعی تکثیر و منتشر شد. روزنامه **(راه مصدق)** نیز ارگان **نهضت مقاومت ملی** بود که با مسوولیت آقای **«احمد توانگر بختیاری»** از تجار خوشنام منتشر می‌شد.

**ب) در مورد نامه سه امضایی:**

در سال ۱۳۵۶ در یکی از روزهایی که آقایان **دکتر «سنجابی»**، **دکتر «بختیار»**، **مهندس «بازرگان»**، **«داریوش فروهر»**، **دکتر «سحابی»** و... به حضور **آیت‌الله زنجانی** رفته بودند، این موضوع مطرح شد که کاری باید انجام شود؛ پیشنهاد شد نامه‌ای تهیه شود و در آن به نارسایی‌ها و خطراتی که از نظر سیاسی کشور را تهدید می‌کرد اشاره شود. از طرف آقایان ذکر شده، به طور جداگانه، مطالبی که در آن به نارسایی‌ها اشاره شده بود، تهیه شد و در نهایت تمام مطالب این آقایان که نظر همه در آن لحاظ شده بود، توسط آقای **«حسن نزیه»** تلفیق و یک نامه شد. سپس در جلسه‌ای که در منزل آقای دکتر **«سنجابی»** برگزار شد، متن نامه مورد تایید همه قرار گرفت. دکتر **«سحابی»** پیشنهاد کردند که این نامه خطاب به شاه نوشته شود که سایرین نیز پذیرفتند و نامه خطاب به شاه نهایی شد. برای امضای نامه، آقای مهندس **«بازرگان»** اعتقاد به امضای تعداد زیادی از دوستان‌شان داشتند اما آقایان **«بختیار»**، **«فروهر»** و **«سنجابی»** اعتقاد داشتند از آن جا که این نامه خطاب به شاه می‌باشد باید تعداد امضاها محدود باشد که در این مورد مهندس **بازرگان** موافقت نکرد و در نتیجه این نامه بیش از یک ماه معوق ماند. روزی آقای **زنجانی**، آقای **فروهر** را خواست و جویای قضیه شد. آقای **فروهر** گفت که آقای **بازرگان** اعتقاد به امضای زیادی دارد و با امضای محدود موافقت نمی‌کند. آقای **زنجانی** گفت که شما یک بار دیگر به ایشان مراجعه کنید. بنابراین آقای **فروهر** با مهندس **بازرگان** ملاقات کرد و مساله را مطرح کرد، اما آقای **بازرگان** باز هم موافقت نکرد و از امضای نامه خودداری کرد. در نتیجه **آیت‌الله زنجانی** گفت که بروید خودتان امضا کنید و منتشر کنید. **در نهایت این نامه در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۶ منتشر گردید و به نامه‌ی سه امضایی معروف گردید.** پس از امضای نامه، همراه با آقای **فروهر** به تلگراف‌خانه در میدان فردوسی، ابتدای خیابان ایرانشهر رفتیم و نامه را به دربار تلگرافی مخابره کردیم و چون نامه سرگشاده بود، تکثیر و در شهر توزیع شد و بسیار اثر مثبت در جامعه داشت. همان طور که قبلاً گفته شد این مطالب را بارها بیان کرده‌ام اما به دلیل این که در بعضی وبسایت‌ها و رسانه‌ها نکاتی به اشتباه قید شده، ناگزیر شدم که دوباره در این مورد توضیح دهم.

**خسرو سیف**